

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آرش نیرو

۲۴ جولای ۲۰۲۱

در فیسبوک لیبرال، در خلوت انقلابی

بشکنی ای قلم ای دست اگر پیچی از خدمت محرومان سر

یک انقلابی واقعی وقتی می نویسد و حرف می زند، شعر می سرايد و آهنگ می خواند، طنز می سازد و فعالیت هنری، ادبی انجام می دهد منافع انقلاب را در نظر دارد و کاری برای انقلاب می کند. از رسانه های بورژوازی چون رادیو، تلویزیون منحصراً تربیون به نفع انقلاب استفاده می کند و در مجالس و منابر و محافل ارتجاعی هم اگر دعوت شد که حرف بزند جز توده ها منافع هیچ کس را در نظر نمی گیرد.

رهبران انقلابی بزرگ جهان مثل ستالین، چه گوارا، مائو... هر کدام در زمان خود در مهم ترین جلسات بین المللی مثل ملل متحد و سایر محافل و منابر بورژوازی حضور یافته اند ولی هر کدام این مهم را پاس داشته در کلام را به پای هیچ بورژوائی نریخته اند.

در تلویزیونها دیده ایم وقتی انقلابی در یکی از پارلمان ها صحبت می نماید وکلای بورژوا به خشم می آیند و به فکر ضرر رساندن او می برآیند. گناه او چیزی جز در نظر گرفتن منافع توده ها هنگام حرف زدن نیست و می بینیم که وقتی حرف می زنند یا آنان را به زور پولیس بیرون می کنند یا مجلس را خاتمه می دهند و در محافلی که در آن تصمیم گیری های ملی و بین المللی اتخاذ می شود فقط از ژورنالیستان دست چین شده و فاقد جوهر دعوت می نمایند. اعضای بعضی از سازمانهای انقلابی کشور ما نیز همین که چانس سخن زدن در اجتماعی یا تربیونی را یافته اند بی هیچ خود سانسوری دقیقاً با این پیشبینی که اعدام می شوند علیه دشمن سخن گفته اند و مطلب نوشته اند.

شیوه و مضمون سخنرانی مینا کشورکمال در فرانسه که علیه روس ها ایراد کرد، شیوه سخنرانی جویا در لوی جرگه، پارلمان و میزهای گرد، نوشته ها و سخن رانی های داندورانی و رفقاییش در روزگاران و میزهای گرد و روش ها و شیوه های دیگر مردان و زنان انقلابی نمونه های خوب برای نسل مبارز کشور ما بوده که می تواند برای دیگران سرمشق باشد.

چنان که به همه معلوم است تکنولوژی در زمینه اطلاع رسانی غیر از تلویزیون و رادیو و نشریه های نوشتاری فضاهای مجازی جدیدی به نام فیسبوک، یوتوب، واتسپ، تویت، انستاگرام... به وجود آورده و چانس ابراز نظر برای همه را مساعد ساخته که افکار تقریباً اکثر روشنفکران و مردم عام شهرها هر لحظه و هر دقیقه در آنها بازتاب می یابد.

در این میان بازتاب افکار یک‌عده روشنفکران چپ ما جای بحث دارد. چون گه گاهی عمل بازتاب افکار شان در شبکه های اجتماعی با موضع سیاسی شان همخوانی ندارد.

بعضی از آنها فقط در خلوت به خصوص مادامی که از هر لحاظ مطمئن می شوند که جانب مقابل از خودی ها است تحلیل شان طبقاتی می شود و انقلابی گری شان بیرون می زند و به اساس آن قضایا را تحلیل می کنند. احزاب را نقد می نمایند، افراد را نقد می کنند و خوب و بد همه چیز را در مقایسه با خط فکری خود می سنجند. در آن خلوت ها بدرستی جامعه را به اساس مارکسیسم تحلیل می کنند. آدم ها به صورت فردی یا گروهی بدرستی عضو یکی از طبقات اجتماعی تصویر می شوند که در جنگ طبقاتی جاری آگاهانه یا ناآگاهانه در یکی از جناح ها قرار دارند. بدرستی جنگ افکار میدان دیگری از جنگ طبقات کهنه و نو معرفی می شود. رسانه های صوتی، تصویری، نوشتاری، شبکه های اجتماعی بدرستی ابزارهای سلطه طبقات حاکم در زمینه کنترل افکار عامه معرفی می شود. ولی همین آدم ها آن ایده ها و دیدها و شیوه های تحلیلی صحیح و منطقی خود را نه تنها در سایر مناسبات شان نمی برند بلکه به فیسبوک هم نمی آورند و به عکس در فعالیت های فیسبوکی خود با لباس لیبرال یا افراد عادی ظاهر شده در استفاده از شبکه های اجتماعی به سطح خویش و قوم غیر سیاسی خود تنزیل می نمایند.

این دسته خلاف آنچه در مورد مبارزان صدیق تذکر رفت وقتی حرف می زنند و مطلبی را به صفحه خود می گذارند به فکر انقلاب نیستند. به فکر اهمیت و ارزش سیاسی متن و لایک و کامنت خود هم نیستند و همچنان این که عقب هر متن، لایک سیاستی نهفته است که به نحوی سهمی در جنگ ایدئولوژیک جاری در فیسبوک دارد، نمی باشند. همچنان این که آنان عضو تشکیلات سیاسی اند و نباید صبح تا شام مصروف نوشتن و کامنت گذاشتن های شخصی که اندکترین کمک به توسعه راه و آرمان شان نمی کند، هم توجه نمی کنند.

بعضی آنها از فیسبوکی ساختن عکس طفل تازه تولد که هنوز نم رحم مادر از بدنش خشک نشده شروع تا یک سالگی او بیشتر از ۳۶۰ عکس در فیسبوک می گذارند ولی در این فاصله یک مطلب که به درد و رنج مردم که خود را مدافع آنان می دانند، بخورد، نمی پردازند.

عده ای هم ضمن گذاشتن موضوعات غیر عمده سیاسی همچنان مسایل پیش پا افتاده ای که به یک فرد عادی بی تفاوت به مسایل اساسی اجتماعی و بی آرمان و بی اندیشه و بی تعهد جاذبه دارد مثل گذاشتن غذا های سه هفته یا غذائی که در یکی از تفریحات خود خورده اند، مناظری که در سفر دیده اند، کوه گردی هائی که داشته اند و حتی سگ خری هائی را که طی آنروزها نموده اند، مضمون گرم فعالیت فیسبوکی خود ساخته اوضاع مشقت بار توده ها را که در جریان آن تفریحات از کنارشان گذشته اند، اصلاً نمی بینند و به آن نمی پردازند و اگر هم می پردازند شبهه یک بورژوا می پردازند که جوهر انقلابی به همراه ندارد.

کسانی "از رفقاء" هم طفل ها واری هی رنگ به رنگ ، تازه به تازه عکس می گذارند و زیر مسیج هائی که او را تحسین های کودکانه کرده اند احمقانه تشکری ها و سپاس گذاری های صمیمانه می نویسند.

"رفیق یا رفقای" را که روزی هیچ کس را به خود برابر نمی کرد و وقتی کنارش می نشستی شب را با بحث های جالب و نهایت منطقی سیاسی خود صبح می نمود و دیگران را به دلیل این که جرأت انتشار نوشته های او را ندارند ملامت می کرد و خود را یک قسم "مرغ طوفان" انقلاب نشان می داد امروز می بینی که انتقاد از نظام را با صد تکه ضخیم در قالب شعر پیچانده و به نیت بیشتر لایک گرفتن به صفحه خود گذاشته تا ضمن سیراب کردن عقده های حقارت خود از طریق مورد تحسین قرار گرفتن، همچنان یگان کودن و بی خبر را هم بفزاید که گویا او هنوز به راه و رسم گذشته خود پایبند است.

کلاً باید گفت که هدف تحسین و تعریف شدن مراد ته دل اکثریت فعالان فیسبوکی را تشکیل می دهد و یکتعداد در این راه تا سطح ابتدال پیش می روند.

علاقه به لایک و کامنت و تمجید شدن همچنان با عقدۀ حقارت فرد بی رابطه نیست. چون ما اکثراً از طبقات پائین جامعه برخاسته ایم و محیط تربیتی ما یک محیط سالم که مهر و لطف لازمه را در کودکی به ما داده باشد نبوده و هنوز هم نیست و به این لحاظ هریک ما روحاً دچار عارضۀ کم مهری هستیم و وقتی امروز کار فیسبوکی به هدفی که مورد تمجید و تحسین دیگران قرار بگیریم انجام می دهیم در حقیقت به فکر سیرآب کردن همین کمبود دوران کودکی خود می برایم و یکی هم این مسأله است که ما را به لجن کشانیده همرنگ جماعت ره گمکرده می نماید.

افراد متذکره یا نمی دانند یا آگاهانه از شبکۀ اجتماعی مطابق میل امپریالیزم و ارتجاع متأثر از جو لیبرالی حاکم در شبکه های اجتماعی به خصوص فیسبوک عمل می کنند و به همین منظور مطالب و موضوعات بی خطر، عامه پسند و نکاتی را که با هیچ یک از شاخ و برگ نظم ستم پیشه بر نخورد، انتخاب می نمایند.

هر متن، لایک، کامنت ما پای یک نوشته، عکس، شعر چون در اجتماعات مجازی انجام می شود جدا از این که یک اثر و نقش سیاسی (ایدئولوژیک) دارد یک اثر تربیتی هم برجای می گذارد.

چون فعال فیسبوکی خانواده (زن و اولاد) دارد، دوست دارد، همسایه دارد و متعلق به اجتماعی معین است. آنان همه فعالیت فیسبوکی او را می نگرند. چنان که فعالیت فیسبوک آنان روی او اثر می گذارد، آنان نیز از او متأثر می شوند. وقتی ما در فیسبوک اصلی خود مصروفیت ها و دغدغه های شخصی و تفریحات خود را می گذاریم در حقیقت امر در سطح آنان که در زندگی شان خود را وابسته به هیچ سیاست و مکتب نمی دانند تنزیل داده ایم و از آنان متأثر شده ایم و معنای دیگر آن این است که برآمد مفید به راه و اجتماع و انقلاب و آرمان خود از این تربیون نداشته ایم.

همان طور که فعالیت رسانه ئی در هر رسانه یک عمل سیاسی است و منافع طبقه یا طبقات معین را بازتاب می دهد فعالیت در یک رسانه کوچک مثلاً فیسبوک یا شبکه های اجتماعی دیگر هم نمی تواند غیر سیاسی و غیر ایدئولوژیک و بی رابطه به جنگ طبقاتی کنونی ما باشد. بناءً وقتی هیچ متن، لایک، کامنت غیر سیاسی (بی رابطه به انقلاب و ضد انقلاب) وجود ندارد نباید آن را بسادگی در هرجائی گذاشت.

در فیسبوک پیشروهای هر طبقه به اشکال مختلف گروپ و لشکر خود را دارد که مطابق با جهان بینی و اسلوب خود موضوع انتخاب می کنند، لایک می نمایند و ابراز نظر می داشته باشند و به اساس آن از منبر فیسبوک به طبقۀ خود خدمت و کار می نمایند.

طالب و داعش و تنظیمی، تکنوکرات ها، مدنی های یواس ای دی از آن به مثابۀ ابزار جنگ علیه دشمنان ایدئولوژیک شان استفاده می نمایند ولی یکتعداد جوانان چپ ما فیسبوک را ابزار نمایش بولانی تندوری، دوغ خوری ها، کوه گردی ها و نشان دادن لاله زارها منطقه و شخصی ترین مسایل زندگی خود قرار می دهند که خجالت آور است.

جمعی به اصطلاح فعال آن را می بینیم که هزاران متن و موضوع ارتجاعی رفیق های خود را می نگرند ولی به سبب این که لایک ها و کامنت های آنان را در پوست های مبتذل و بی رنگ و بوی خود از دست ندهند نه تنها آنان را انتقاد نمی کنند و در آن زمینه لیبرالیستی عمل می نمایند بلکه بدتر از آن آغوش خود را بروی متن آنان بازکرده لایک و کامنت های مثبت هم برشان می فرستند و به این شکل داخل نوعی صلح و آرامش غیر اصولی با دشمنان انقلاب هم می شوند.

بخشی هم از تمجید و لایک موزی ترین دشمنان گروه، هسته، حزب و سازمان و رفقای خود به خوشی پذیرائی می کنند و به خاطری که لایک و کامنت های آن الدنگ ها را در آینده هم با خود داشته باشند از چتل ترین و ناپاکترین

دشنام های آنان که نسبت به جمع سیاسی خود که در گذشته از آنان شنیده اند سکوت مرگبار اختیار می نمایند که خود بیانگر حاکمیت بویناکترین لیبرالیسم در آنان است.

فیسبوک و شبکه های اجتماعی محل شخصی ما نیست. هر آنچه به خصوص نقد و خرده گیری که در این شبکه ها صورت می گیرد سیاسی است و به همین منظور نسبت به ماهیت سیاست نهفته عقب هر فعالیت خود نباید بی تفاوت باشیم.

از فعالان خوب فیسبوکی خود بیاموزیم و با لیبرالیسم فیسبوکی و خود سانسوری مبارزه نمائیم.